۹

مهم‌ترین کتابفروشی بخش خصوصی در ایستگاه متروی میدان شهدای تهران در آستانه تعطیلی قرار گرفت

ذبح کتاب در مترو

۱۲

میرزاده عشقی قربانی ملک الشعرا شد

۱۱

ادای فیلمفارسی

«ایکس لارج» مولفه‌های آشنای سینمای پیش از انقلاب را به شکل بدی بازتولید می‌کند

پشت صحنه

هوا، هوای عیده!

خب اجازه بدهید همین اول کار ذوق کرده و مراتب این ذوق‌زدگی را خدمت شما هم ابراز کنیم! انصافا جای ذوق هم دارد! هوا و خنکی‌اش را می‌گوییم بابا، آن هم در این گرمای بیداد و وانفسای تابستان که نفس همه تا همین چند روز پیش درآمده بود و به ابوی عموم ابنای بشر را درآورده بود! القصه که هوا در پایتخت و در حوالی میرداماد هم بالنسبه خوب و خنک و فی‌الحال هم در تحریریه این خنکی هوا قابل لمس و حس است. این را بگذارید کنار تهدید قطعی برق تا متوجه شوید این خنک شدن یکهویی هوا چه نعمت گرانبهایی است و چه تاثیراتی روی بازده و بهبود کار می‌گذارد. بگذریم آقا!

و اما بعد... نمی‌دانیم محمدصادق علیزاده از کجا خبردار شده که یکی از مهم‌ترین کتابفروشی‌های زیرزمینی تهران در آستانه تعطیلی است. استاد هم که حوزه تخصصی‌اش کتاب و رهایش کنید اول و آخر از لای کتاب باید بیرونش کشید، فی‌المجلس رفت سراغ قضیه و ته و توی قضیه را درآورد تا بلکه وظیفه‌اش را نسبت به حوزه مهم و فرهیخته وارانه کتاب و کتابخوانی ادا کرده باشد. گزارش ریز به ریز پیگیری‌اش را هم گذاشته در همین صفحه ۹ و کنار همین ستون می‌توانید از خجالت نگاشته‌هایش دربیایید.

محمدرضای کائینی هم برای امروز یک مطلب خوب آماده کرده. این روزها مصادف است با سالروز ترور میرزاده عشقی که احتمالا اوصافش را در تاریخ خوانده باشید. میرزاده علاوه بر آن که شاعر بود و دستی در ادبیات داشت، روزنامه‌نگار هم بود و از قماش خود ما روزنامه نگارها محسوب می‌شود. روی همین حساب کائینی که حسابی کرم تاریخ است پشه‌ای در تاریخ معاصر نیست که پر نزده باشد و کائینی مطلع نباشد به همین مناسبت رفته سراغ جناب خسروخان معتضد که معرف حضور هستند و حسابی با استاد درباره مرحوم میرزاده گپ زده‌اند. جالب است بدانید این جناب میرزاده عشقی ظاهرا دایی مرحوم مردوخی‌اند.

در صفحه ۱۰ هم بچه‌های هنر و ادبیات رفته‌اند سراغ یکی دیگر از موضوعاتی که همین روزها سالروزش است. بله، دوازدهم تیرماه را می‌گوییم که گره خورده با قضیه حمله به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس. هواپیمایی که قربانی تصمیم نادرست نظامیان متجاوز آمریکایی قرار گرفت و فرماندهی که دستش را به خون ۲۹۰ نفر از غیرنظامیان آلوده کرد.

این تصویر واقعی هواپیمای پرواز ۶۵۵ است که در تابستان ۶۷ توسط آمریکایی‌ها در خلیج فارس هدف قرار گرفت

۱۰

ششصد و پنجاه و اشک!

ترامپ در حالی از ایران بابت خویشتنداری‌اش در حمله به هواپیمای جاسوسی آمریکا با ۳۵ سرنشین تشکر کرده که ۳۱ سال پیش در چنین روزی، آنها در آسمان خلیج فارس، هواپیمای مسافربری شماره ۶۵۵ ایران ایر را هدف قرار دادند

یادداشت: ساناز قنبری
سینما

سینما حق تمام ایران است

کلید سینما را در ایران فیلم سینمایی «دختر لر» در سال ۱۳۱۲ زد و پس از آن با علاقه و اشتیاقی که مردم به این هنر - صنعت از خودشان نشان دادند؛ سینما روز به روز رشد کرد و سالن‌های سینما هم به تبع آن بیشتر و بیشتر شدند.

اگر سالن‌های سینمایی در دهه‌های گذشته مورد پسند قشر وسیعی از مردم بود، امروز دیگر با فرسوده شدن تجهیزات این سالن‌ها، تغییر جغرافیای شهری و آشنایی مردم با مدرنیسم، این سالن‌های قدیمی از رده خارج شده و دیگر کشاندن مردم به این سالن‌های رنگ و رو رفته کاری سخت و دشوار است.

بدون شک علاقه‌مندان به سینما، آتش‌سوزی سینما شهرفرنگ سابق را خوب به خاطر دارند. نابود شدن این سینمای خاطره‌انگیز هر چند بسیار تلخ بود، اما در نتیجه تغییری در شیوه سالن‌سازی به‌وجود آورد که به نفع سینما شد.

در نتیجه همان آتش‌سوزی بود که کلنگ احداث سینما آزادی و ساخت مجموعه‌ای از پردیس‌های سینمایی توسط شهرداری تهران به زمین زده شد و پردیس سینمایی آزادی با توافق شهرداری تهران و حوزه هنری محلی شد برای تماشای فیلم به شیوه‌ای که تا آن روز شهروندان تهرانی تجربه‌اش نکرده بودند.

از آن به بعد مجتمع‌های تجاری با اشتیاق و رغبت، بخشی از فضای تجاری خود را به ساخت سالن‌های سینمایی اختصاص می‌دادند و از این طریق بود که چرخه ناموزون اکران فیلم‌ها شکل و شمایل بهتری به خود گرفت.

اما هنوز که هنوز است خیلی از سینماداران شهرستانی بابت ساخت پردیس‌های سینمایی و سالن‌های فرسوده‌شان با مشکل مواجه هستند؛ مشکلاتی که برخی از آنها به‌دلیل دور از مرکز واقع شدن این سینماها انعکاس چندانی در رسانه‌ها نمی‌یابند.

البته انتظار بیهوده‌ای است اگر توقع داشته باشیم سازمان سینمایی یک تنه تمام بودجه لازم برای خرید تجهیزات سالن‌های سینمایی و بازسازی‌شان را در کل کشور فراهم کند.

در چنین شرایطی باید تمام نهادهای ذی‌ربط در یک شهرستان یا استان وارد میدان شوند و به ساخت یا تجهیز سالن‌های سینمایی مبادرت بورزند و البته دولت به عنوان متولی سینما زمینه‌ای فراهم کند تا بخش خصوصی هم وارد عرصه پردیس‌سازی یا بازسازی سالن‌های فرسوده سینما شود.

اگر جریان عمومی کشور به سمت بهینه‌سازی باشد و تعداد سینماهای بیشتری در کشور ساخته شود و به تبع آن سینماهای چندسالنه در کشور هم افزایش پیدا کند، قطعا شاهد برطرف شدن بخشی از محرومیت‌های فرهنگی در شهرهای کوچک خواهیم بود.

مهم‌ترین کتابفروشی بخش خصوصی در ایستگاه متروی میدان شهدای تهران در آستانه تعطیلی قرار گرفت

ذبح کتاب در مترو

محمدصادق علیزاده
هنر و ادبیات

داستان این گزارش ما همان زخم کهنه همیشگی فعالان فرهنگی است. نهال نورس و ضعیفی که با تلاش و زحمت بسیار بعد از سال‌ها به بار می‌نشیند و حالا که به ثمر و سوددهی رسیده و اقتصادی شده و تازه دارد ادامه حیات خودش را به صورت یک بنگاه اقتصادی دنبال می‌کند به ناگاه هدف ترکش سوءمدیریت‌ها قرار می‌گیرد. داستان این گزارش درباره یک کتابفروشی است. صنفی که در میان سایر صنوف فرهنگی هم حاشیه سود پایین و رنج و زحمت زیاد دارد.

فروشگاه کتاب کتابستان مترو در میدان شهدای تهران یکی از همین فروشگاه‌هاست. یک کتابفروشی در زیر زمین که حالا بعد از نزدیک به یک دهه به یک پایگاه در این منطقه پر رفت و آمد تبدیل شده.

این روزها اما خبرهای خوبی از این فروشگاه به گوش نمی‌رسد. به دلیل سیاست‌های اتخاذ شده شرکت بهره‌برداری مترو تهران، این کتابفروشی در آستانه تعطیلی است.

خبرش را از یکی از دوستان فعال در حوزه کتاب شنیدم. این‌که کتابفروشی متروی ایستگاه میدان شهدای تهران در آینده نزدیک تعطیل خواهد شد. همین هم شد که رفتیم سراغ سیدمسعود دوخایی، مدیر این کتابفروشی که حالا چند وقتی است کابوس تعطیلی فروشگاهش او را راحت نمی‌گذارد. دوخایی مستقیم می‌رود سر اصل موضوع. این‌که شرکت بهره‌برداری مترو تهران بعد از ۹ سال فعالیت کتابستان متروی شهدا، حالا فضایی را که آنها در ایستگاه میدان شهدا در اختیار داشته‌اند به‌عنوان یک فضا با کاربری آزاد معرفی و به مزایده گذاشته است، بدون این‌که به خودشان اطلاع بدهد. فکرش را بکنید. این‌که محلی را به عنوان فروشگاه اجاره کرده‌اید و حالا خیلی اتفاقی متوجه می‌شوید مالک، بدون این‌که به شما اطلاع دهد، آن را به مزایده گذاشته تا به بالاترین قیمت ممکن اجاره بدهد و در این میان روح شما هم خبر ندارد.

از دوخایی می‌پرسم چطور از این موضوع اطلاع پیدا کردید: «خیلی اتفاقی، فضای متعلق به خودمان را در بخش مزایده و مناقصه‌های پایگاه اینترنتی شرکت بهره‌برداری مترو دیدیم. فضای فروشگاه ما در ردیف اموال مزایده قرار گرفته است. جالب است که به ما هم اطلاع نداده بودند.» نکته جالب دیگری که در میان صحبت‌های دوخایی به چشم می‌خورد این‌که کاربری فضای مورد نظر که یک دهه است فرهنگی بوده در آگهی مزایده به کاربری آزاد تغییر داده شده است. به عبارت بهتر این کار باعث می‌شود محدودیت واگذاری به صنوف فرهنگی برداشته شده و حالا هر کسی که از راه برسد و بالاترین قیمت را پیشنهاد بدهد، این فضا به او تعلق می‌گیرد. فرقی هم نمی‌کند که اسپری فلفل بفروشد یا نوشیدنی خنک!

ادامه درددل‌های دوخایی هم شنیدنی است: «از دوستان پرسیدیم یعنی ما این وسط هیچ حقی نداریم؟ مایی که ۹ سال است در مترو مشغول فعالیت تخصصی فرهنگی و کتابفروشی هستیم و الان یک ریال بدهی نداریم. دوستان به جای این‌که با ما همکاری و هماهنگی و از ما حمایت کنند، مدام چوب لای چرخ‌مان می‌گذارند. الان هم درخواست ما موضوع عجیبی نیست! از سه ماه قبل درخواست داده بودیم قرارداد ببندیم و ادامه دهیم. در این مدت ما را در آب نمک گذاشته بودند و حالا هم که متوجه شدیم قرار است این فضا را به مزایده بگذارند، بدون این‌که حتی به ما اطلاع بدهند!»

سابقه کتابستانی‌های مترو

الان که در تیرماه ۹۸ در حال صحبت هستیم در ایستگاه متروی میدان شهدای تهران دو خط از خطوط مترو به هم می‌رسند. ۱۱ سال قبل یعنی سال ۸۷ زمانی که این ایستگاه افتتاح شد فقط خط ۴ از آن می‌گذشت. تقریبا دو سال بعد از افتتاح بود که یک مجموعه از بچه‌های کتابفروش رفتند سراغ مترو و کتابستان متروی شهدا را افتتاح کردند. حالا ۹ سال از آن روزها می‌گذرد و کتابستان شهدا به یک پاتوق و تابلوی فرهنگی با مختصات خاص کتابفروشی در آن منطقه از تهران تبدیل شده است.

از دوخایی درباره نحوه در اختیار گرفتن این فضا می‌پرسیم و این‌که چطور ۹ سال قبل این فضا به آنها واگذار شده است. او می‌گوید در آن زمان تفاهم‌نامه‌ای بین سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران از یک سو و شرکت بهره‌برداری متروی تهران از سوی دیگر امضا شده بود مبنی بر این‌که بعضی از فضاهای داخلی مترو برای فعالیت‌های فرهنگی در اختیار سازمان فرهنگی و هنری قرار گیرد. به این ترتیب، سازمان فرهنگی و هنری مالک بعضی از فضاهای زیرِ زمین می‌شود و در ادامه هم بخشی از این فضا در اختیار تیم کتابستانی‌ها قرار می‌گیرد.

سازمان پس فرستاد

به گفته دوخایی، تا زمان مدیریت اوحدی در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری، طرف حساب آنها سازمان بوده، اما در زمان اوحدی یک اتفاق عجیب می‌افتد. طبق گفته دوخایی در زمان اوحدی که از زمستان ۹۶ به ریاست این سازمان رسید. در این دوره کل فضاهایی که در مترو به سازمان فرهنگی و هنری واگذار شده بود، مجدد به شرکت بهره‌برداری متروی تهران واگذار می‌شود. از حدود یک سال قبل هم طرف حساب کتابستان متروی شهدا، خود شرکت بهره‌برداری متروی تهران می‌شود.

دوخایی از این واگذاری به این شکل یاد می‌کند: «بعد از این اقدام ما زیر نظر تجاری رفتیم. آنها هم کارشناس آوردند و چند مرحله بررسی کردند و در نهایت یک مبلغ اجاره را برای کار ما مشخص کردند. عددش تقریبا دو میلیون تومان در ماه است که ما هم قبول کردیم و در ادامه ماهانه شروع کردیم این مبلغ را به آنها تحویل دادن.» طبق گفته مدیر کتابستان متروی شهدا، از سه ماه قبل قرار بوده با شرکت بهره‌برداری متروی تهران برای ادامه کار قرارداد جدید امضا کنند که حالا ناگهان با مزایده واگذاری مواجه می‌شوند: «ما از دوستان درخواست کردیم که یک قرارداد بلندمدت با ما ببندند. حالا متوجه شدیم که کاربری این فضا را از فرهنگی به آزاد تغییر داده‌اند و هر کسب و پیشه‌ای که بیاید و بالاترین قیمت را بدهد، این فضا در اختیار آنها قرار می‌گیرد. به غیر از عطر و ادوکلن! دوستان

می‌گویند دنبال درآمدزایی هستیم و هر کس پول بیشتری داد ما این فضا را در اختیار آنها قرار می‌دهیم. خب من یک پیتزافروشی نبوده‌ام؛ کتابفروش بوده‌ام و کتابفروش هم حاشیه و درآمد کمتری نسبت به سایر مشاغل دارد!»

دوخایی می‌گوید؛ کتابستان متروی شهدا جزو اولین فروشگاه‌هایی بوده که در مترو راه‌اندازی شده و این همه مدت و این همه سال تلاش کرده و حالا پایگاه ثابت شده است، ولی با این کار عملا همه این فعالیت و سابقه نابود می‌شود: «ما در حال حاضر در منطقه مخاطب داریم ولی به جای این‌که از ما حمایت کنند دست به چنین کاری زده‌اند. ما حتی به دوستان طرح داده‌ایم که در سایر ایستگاه‌های مترو هم این طرح را پیاده کنیم و پولش را بدهیم ولی خب ظاهرا قرار است اتفاق دیگری بیفتد!»

صحبت‌هایم با دوخایی به انتها می‌رسد. ذهنم اما می‌رود سمت فضاهای مختلفی که در ایستگاه‌های مختلف مترو به صاحبان صنوف مختلف واگذار شده. بعضی‌هایشان هم از قضا کتاب می‌فروشند اما اندکی که دقت کنی مشخص می‌شود که کتابفروش نیستند. از عرضه کتاب‌های زرد و بازاری با تخفیف‌های عجیب و غریب ۵۰ درصد بگیرید تا مرور عنوان‌هایشان نشان می‌دهد که کارشان زیر عنوانی به نام فعالیت فرهنگی نمی‌گنجد. کتابستانی‌ها مشکل‌شان را با معاونت فرهنگی شرکت بهره‌برداری متروی تهران هم مطرح کرده‌اند اما گویا زور نگاه تجاری به زور معاونت فرهنگی هم می‌چربد. ظاهرا باید به قربانی شدن فرهنگ به پای اقتصاد و سرمایه‌داری عادت کنیم. همه‌جا فرهنگ به امر ثانوی و دست دوم تبدیل شده است.

تلاش ما برای ارتباط با مسئولان مترو و صحبت با آنها به نتیجه‌ای ختم نشد. جام جم آماده است در صورت ارائه توضیحاتی از جانب مسئولان مترو، نسبت به بازتاب آن اقدام کند.

آگهی مناقصه عمومی خدمات نظارت و بازرسی تعمیرات فنی و قطعات واگن‌های مسافری

شماره ۰۱۰-۱-۴-۹۸

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد در نظر دارد، خدمات بازرسی تعمیرات فنی واگن‌های مسافری خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به یک شرکت معتبر و واجد شرایط واگذار نماید.

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت و تحویل اسناد مناقصه مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۵۵۰۷۱۱۳۴/۵۳ بانک ملت شعبه آتی‌ساز واریز و از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز (به جز پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۸ صبح الی ۱۶ به آدرس: تهران - خیابان شهید مطهری، بعد از تقاطع شهید مفتح، سمت چپ نرسیده به خیابان جهانتاب، پلاک ۱۷۳، طبقه دوم، واحد خدمات ایستگاهی مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۸۶۱۲۱۴۸۰ تماس حاصل فرمایند.